



رسانه رهبر انقلاب
@Rahbarengelab

ایران اسلامی با شکر عملی نعمت
اعمال مدیریت بر تنگه هرمز، منطقه ی
خلیج فارس را ایمن خواهد کرد و بساط
سوء استفاده های دشمن متخاصم را از
این آبراه بر خواهد چید. ۱۴۰۲/۰۵/۱۴

روزنامه ای مترقی
KHAMENEI.IR
پنجشنبه ۷ آبان ۱۴۰۵



ویژه دفاع مقدس
مردم ایران
در برابر آمریکا - رژیم صهیونی

این شماره تقدیم میشود به

شهید
امیرعلیزاده

از نیروهای هوافضای سپاه پاسداران
که به همراه خانواده اش در حمله
تروریستی آمریکایی- صهیونی در
جنگ تحمیلی سوم به شهادت رسید.



تحلیلی بر تأکید رهبر معظم انقلاب بر بایسته های استقلال و امنیت منطقه

معمار نظم جدید



سرمقاله

در مقابل، گفت وگویی مستمر، احترام به حاکمیت ملی، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و همکاری در برابر تهدیدهای مشترک می تواند بنیان های یک ترتیبات امنیتی بومی را تقویت کند.

البته تحقق چنین نظمی مستلزم آن است که روابط با همسایگان از سطح پیام های سیاسی فراتر رود و در قالب توافق های عملی، سازوکارهای پایدار گفت وگو و همکاری های اقتصادی و امنیتی دنبال شود. ایران باید ضمن حفظ آمادگی دفاعی و توان بازدارندگی خود، از دیپلماسی فعال برای کاهش نگرانی های متقابل و گسترش همکاری های منطقه ای بهره بگیرد. قدرت نظامی زمانی به دستاوردی پایدار تبدیل می شود که در کنار آن، ظرفیت ایجاد اعتماد و شکل دادن به همکاری های بلندمدت نیز وجود داشته باشد.

نظم جدید منطقه ای نه با حذف همسایگان، بلکه با مشارکت آن ها شکل می گیرد؛ نه بر پایه تضمین های متزلزل قدرت های خارجی، بلکه بر اساس منافع مشترک و مسئولیت پذیری کشورهای منطقه. تجربه رویارویی اخیر نیز نشان داد که ایران را نمی توان با فشار نظامی و تهدید، به پذیرش ترتیبات تحمیلی وادار کرد. اکنون فرصت آن فراهم است که این واقعیت به مبنایی برای بازتعریف روابط منطقه ای تبدیل شود؛ نظمی که در آن، مدیریت تنگه هرمز پشتوانه ای برای امنیت ملی ایران و منطقه و همکاری با همسایگان ابزاری برای تقویت ثبات و توسعه مشترک باشد. چنین رویکردی می تواند هم هزینه تجاوز به ایران را افزایش دهد و هم زمینه را برای منطقه ای مستقل تر، با ثبات تر و برخوردار از امنیت پایدار فراهم سازد.

با کشتیرانی و تجارت انرژی نیست، بلکه بخشی از معادله بازدارندگی ایران به شمار می رود. کشوری که از موقعیت ژئوپلیتیکی خود به درستی بهره بگیرد، می تواند محاسبات امنیتی طرف مقابل را تغییر دهد و هزینه هرگونه تجاوز را افزایش دهد. بنابراین، حفظ ظرفیت اعمال مدیریت مؤثر بر این آبراه، در چارچوب حقوق بین الملل و الزامات امنیت ملی، یکی از مؤلفه های مهم حفاظت از استقلال و تمامیت ارضی ایران است. هیچ قدرت خارجی نباید تصور کند که می تواند با فشار نظامی، ایران را از مزیت های راهبردی و حقوق قانونی خود محروم سازد.

باین حال، نظم منطقه ای مطلوب ایران تنها با اتکا به قدرت نظامی یا موقعیت جغرافیایی شکل نمی گیرد. مؤلفه دوم این نظم، گسترش و تحکیم روابط دوجانبه با کشورهای همسایه بر پایه منافع پایدار و متقابل است. ایران و همسایگانش در حوزه هایی مانند تجارت، انرژی، حمل و نقل، محیط زیست و امنیت مرزی، منافع مشترک گسترده ای دارند. تقویت این پیوندها می تواند هزینه تنش ها را افزایش دهد، زمینه سوء تفاهم ها را کاهش دهد و فرصت های بیشتری برای همکاری های اقتصادی و امنیتی فراهم کند.

ایران باید این پیام روشن را به همسایگان منتقل کند که امنیت پایدار منطقه در تقابل دائمی میان کشورهای منطقه به دست نمی آید. حضور قدرت های فرامنطقه ای، به ویژه هنگامی که با رویکرد نظامی و تقابل جویانه همراه باشد، می تواند منطقه را به صحنه رقابت قدرت های بزرگ تبدیل کند؛ رقابتی که هزینه های آن را پیش از همه، مردم و اقتصادهای کشورهای منطقه می پردازند.

زیرساخت های نظامی آمریکا در منطقه را آشکار کند و هزینه های سنگینی بر حضور نظامی این کشور تحمیل کند. پایگاه هایی که واشنگتن آن ها را نماد قدرت و ابزار تضمین امنیت متحدانش معرفی می کرد، خود در معرض ضربات ایران قرار گرفتند. این واقعیت، پرسش های جدی درباره اعتبار تعهدات امنیتی آمریکا و توانایی آن برای حفاظت از نیروها و شرکای منطقه ای اش ایجاد کرده است. کشورهای عربی خلیج فارس که طی دهه های گذشته بخش مهمی از محاسبات امنیتی خود را بر همکاری نظامی با آمریکا استوار کرده بودند، اکنون با پرسشی اساسی روبه رو هستند: اگر حضور گسترده نظامی آمریکا نتواند امنیت پایگاه های خود این کشور را تضمین کند، تا چه اندازه می توان به آن برای تأمین امنیت دیگر کشورها اتکا کرد؟ این پرسش نشان می دهد هزینه ها و مخاطرات اتکای یک جانبه به قدرت های خارجی بیش از گذشته در محاسبات منطقه ای اهمیت یافته است.

در چنین شرایطی، مدیریت تنگه هرمز جایگاهی تعیین کننده در راهبرد امنیت ملی ایران دارد. این آبراه یکی از مهم ترین گلوگاه های انرژی جهان است و هرگونه اختلال در تردد دریایی آن می تواند پیامدهایی فراتر از منطقه خلیج فارس داشته باشد. تحولات نظامی اخیر بار دیگر نشان داد که موقعیت جغرافیایی ایران، برخلاف تصور طراحان فشار نظامی، یک مؤلفه بنیادین در قدرت راهبردی کشور است. تلاش های آمریکا برای محدود کردن ظرفیت ایران در این آبراه و بازگرداندن شرایط به وضعیت مطلوب واشنگتن نیز اهمیت این واقعیت را برجسته می کند.

از این منظر، مدیریت تنگه هرمز موضوعی مرتبط

حضرت آیت الله سید مجتبی خامنه ای، رهبر معظم انقلاب، در دیدار دبیر شورای عالی امنیت ملی بر حفاظت از امنیت ملی و منطقه ای با اعمال مدیریت بر تنگه هرمز و تحکیم روابط دوجانبه با کشورهای همسایه بر پایه ی منافع پایدار و متقابل تأکید کردند. این نکته مورد تأکید رهبر معظم انقلاب را در یک جمله می توان به عنوان بخشی از مختصات نظم جدید منطقه ای توصیف کرد.

تحولات ۸ ماه اخیر نشان داده است که امنیت منطقه خلیج فارس را نمی توان بر حضور نظامی آمریکا و وعده های واشنگتن بنا کرد. تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران، برخلاف محاسبات اولیه متجاوزان، به شکست راهبردی آن ها انجامید و معادلات امنیتی منطقه را با تحولی اساسی مواجه کرد. این تحولات بیش از هر زمان دیگری ضرورت شکل گیری نظمی مستقل از قدرت های فرامنطقه ای را آشکار ساخته است؛ نظمی که در آن، کشورهای منطقه به جای اتکا به قدرت های خارجی، بر ظرفیت های بومی و همکاری های متقابل تکیه کنند. در این میان، ایران با برخورداری از توان دفاعی، موقعیت ژئوپلیتیکی و ظرفیت های دیپلماتیک می تواند نقش محوری در شکل دهی به نظم جدید منطقه ای ایفا کند.

این نظم بر دو پایه اساسی استوار است: مدیریت تنگه هرمز در چارچوب حفاظت از امنیت ملی و منطقه ای و تحکیم روابط دوجانبه با کشورهای همسایه بر مبنای منافع پایدار و متقابل. این دو مؤلفه مکمل یکدیگرند و در کنار هم می توانند زمینه ساز شکل گیری معماری امنیتی جدیدی در منطقه باشند. ایران توانست با پاسخ نظامی خود به تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی، آسیب پذیری

قاب

اجتماع معنوی عاشقان امام مجاهد شهید در جوار مشهد شهادت ایشان برگزار شد

مراسم مناجات و توسل به امام زمان (عج) به نیابت از رهبر شهید انقلاب اسلامی، امشب (پنجشنبه) ۷ آبان ۱۴۰۵ با حضور عاشقان امام مجاهد شهید در رواق ششدروست برگزار شد.



#اعتراف کریس مورفی، سناتور دموکرات آمریکایی

آمریکا حقایق شکست در برابر ایران را پنهان می کند

آمریکا در رویارویی با ایران با واقعیتی روبه روشده که نمی تواند به سادگی آن را پنهان کند: پایگاه های نظامی این کشور در منطقه در برابر ضربات ایران آسیب پذیرند و هزینه این تقابل برای واشنگتن سنگین است. حالا حتی در داخل آمریکا نیز ابعاد خسارات وارد شده به تأسیسات نظامی این کشور به موضوعی جنجالی تبدیل شده است. کریس مورفی، سناتور دموکرات آمریکایی، اعلام کرده است که در سفر خود به قطر اجازه ورود به تأسیسات نظامی هدف حملات ایران را پیدا نکرده است. او خواستار روشن شدن ابعاد واقعی خسارات شده و از محدودیت دسترسی نمایندگان کنگره به اطلاعات میدانی انتقاد کرده است. این سناتور گفته است: «این یک پنهان کاری کاملاً آشکار است. آن ها نمی خواهند مردم آمریکا از خسارات وارد شده به این پایگاه ها آگاه شوند و نمی خواهند اعضای کنگره فرصت گفت وگویی مستقیم با فرماندهان نظامی و نیروهای آمریکایی در منطقه را داشته باشند.» این تحولات نشان می دهد که تقابل با ایران برای ارتش آمریکا هزینه هایی فراتر از محاسبات اولیه داشته است. پایگاه هایی که قرار بود نماد قدرت و تضمین کننده برتری نظامی واشنگتن باشند، خود به نقاط آسیب پذیر تبدیل شده اند. نکته مهم این است که واشنگتن به دنبال پنهان کردن میزان واقعی خسارت های حمله ایران به پایگاه های خود است و می داند با افشای حقایق، افکار عمومی به صورت شدید علیه این شکست موضع گیری خواهد کرد.

#اعتراف ان بی سی نیوز

ضربه بزرگ ایران به امنیت آمریکایی

تحولات هشت ماه اخیر نشان می دهد که حضور نظامی آمریکا در غرب آسیا، برخلاف ادعاهای واشنگتن، تضمین کننده امنیت و برتری راهبردی این کشور نیست. ضربات کوبنده ایران به زیرساخت های نظامی آمریکا، آسیب پذیری شبکه ای را آشکار کرده که طی دهه ها برای نمایش قدرت و کنترل تحولات منطقه ایجاد شده بود. بر اساس گزارش ان بی سی نیوز، آسیب دیدن تأسیسات و پایگاه های آمریکا در چند کشور منطقه، پرسش های جدی درباره اعتبار تعهدات امنیتی واشنگتن ایجاد کرده است.

وقتی متحدان آمریکا درباره توان این کشور برای حفاظت از نیروها و تأسیساتش تردید کنند، مسئله دیگر صرفاً خسارت نظامی نیست؛ اعتبار راهبردی آمریکا نیز زیر ضربه می رود. ایران با تحمیل هزینه های سنگین به حضور نظامی آمریکا، معادله ای را به چالش کشیده که واشنگتن سال ها بر مبنای آن نظم امنیتی منطقه را مدیریت می کرد. پایگاه های متعدد، تجهیزات پیشرفته و ده ها هزار نیروی نظامی، لزوماً به معنای مصونیت نیستند؛ به ویژه هنگامی که طرف مقابل بتواند هزینه استمرار این حضور را افزایش دهد.

شکست راهبردی آمریکا زمانی عمیق تر می شود که متحدانش دیگر به چتر امنیتی آن اعتماد نکنند. اگر واشنگتن ناچار به بازنگری جدی در آرایش نیروهایش شود، ایران به یکی از اهداف دیرپای راهبردی خود، یعنی محدود کردن حضور و نفوذ نظامی آمریکا در منطقه، نزدیک تر خواهد شد. این تحول می تواند موازنه قدرت در غرب آسیا را به زیان واشنگتن تغییر دهد.